

دکتر سید محسن میرباقری چهره نام آشنای عرصه قرآن پژوهی در کشور، بهره گرفته از درس های حوزوی و عضو هیئت علمی دانشگاه است. مردم بارها از صدا و سیما چهره او را دیده و سخنانش را درباره وحی شنیده اند. بیشتر در پی برخی اهانت ها و هتک حرمت ها به ساحت قرآن کریم و پیامبر اعظم (ص) گفتگوئی تلفنی از وی به نقل آمد که تمام نبود، در جهت رفع نقص، مقاله زیر از ایشان درج می گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دکتر سید محسن میرباقری

چندی پیش آقای عبدالکریم سروش در گفتگویی که انتشار یافته نکاتی را درباره وحی و قرآن کریم اظهار داشته که به گفته خودشان با اعتقادات سنتی اسلامی سازگاری ندارد و به زعم ایشان این سخنان بیانگر اندیشه ای است که امت اسلامی را در زمان حاضر از مخمصه ای لاینحل نجات می بخشد.

نظرات قابل توجه در این گفتگو به شرح زیر است:

- ۱- آفریننده و تولید کننده وحی و قرآن شخص پیامبر اکرم (ص) است.
- ۲- پیامبر مضمون وحی را از خدا دریافت می کند. او وظیفه دارد که به این مضمون بی صورت ، صورتی بخشد تا در دسترس همگان قرار دهد.
- ۳- پیامبر اکرم (ص) مانند یک شاعر این الهام را به زبانی که خود می داند و به سبکی که خود به آن اشراف دارد و با تصاویر و دانشی که خود در اختیار دارد منتقل می کند.
- ۴- شخصیت پیامبر اکرم (ص) نقش مهمی در شکل دادن به این متن ایفا می کند ؛ تاریخ زندگی وی ، پدر ، مادر ، کودکی و احوالات روحی همه در شکل دادن به قرآن نقش دارند. به همین خاطر حالات پیامبر اثر خود را در متن قرآنی باقی گذاشته و انعکاس آن در قرآن گاهی در حالت شادی است و بسیار فصیح و گاهی اوقات پرملال و بسیار عادی و معمولی است.
- ۵- ظهور حالات فوق ، جنبه کاملاً بشری وحی است.

۶- نتیجه همه این مباحث این است که وحی و قرآن می تواند حاوی اشتباهاتی هم باشد و آنچه قرآن درباره وقایع تاریخی سایر ادیان و سایر موضوعات علمی زمینی بیان می کند ، لزوماً نمی تواند درست باشد.

۷- معرفت پیامبر اکرم (ص) چیزی غیر از دانش و معرفت زمان خویش نبوده و دانش او از مردم هم عصرش درباره زمین ، کیهان و ژنتیک انسان بیشتر نبوده است.
پیامبر اکرم (ص) دانشی را که ما امروزه در اختیار داریم نداشته است.

۸- نبوت مقوله ای است بسیار عام و در نزد اصناف مختلف آدمیان یافت می شود. (البته این سخن را نقل قول می کند و تلویحاً آن را می پذیرد)

۹- نتیجه ای که ایشان از این مباحث می گیرد این است که:

با توجه به تلقی بشری از قرآن ، بعضی از جنبه های دین که به طور تاریخی و فرهنگی شکل گرفته اند امروز دیگر موضوعیت ندارد. ایشان در این زمینه برخی مجازات ها را مثال می زند. «اگر پیامبر در یک محیط فرهنگی دیگر زندگی می کرد این مجازات ها احتمالاً بخشی از پیام او نبود.»

۱۰- آنچه که به زعم ایشان دستاورد مهم همه این سخنان است این است که اصرار بر اعتقاد به اینکه قرآن کریم کلام جاودانی خداست و اعتقاد بر اینکه باید لفظ به لفظ به آن عمل شود مسلمانان را به مخمصه لاینحل دچار می کند.

در حقیقت تلویحاً ادعایی می کند که تفکر ایشان و شکستن قداست قرآن و نفی جاودانگی احکام نورانی اسلام ، مسلمانان را از مخمصه عدم تطبیق احکام قرآن با باورهای امروزه جهان رهایی می بخشد.

نکات فوق نشانگر افکار آقای سروش درباره وحی و قرآن است که در گفتگوئی نسبتاً کوتاه بدانها تصریح شده و قبلاً هم در نوشتارهای دیگری کم و بیش آنها را مطرح کرده است.

این اظهارنظرها درباره وحی به صورت عام و درباره قرآن کریم به طور خاص در حوزه اندیشه اسلامی بسیار شگفت است. بویژه از کسی که داعیه کارشناسی اسلامی دارد. زیرا مسلمانی که بخواهد درباره قرآن نظر دهد لابد خود را معتقد به قرآن می داند و آن را کتاب دینی خود می شمارد و حداقل این است که گفته های آن را کلام رسول الله تلقی می کند. سؤال این است که چنین فردی برای اظهار نظر درباره این قرآن آیا نباید به خود قرآن در معرفی خویش توجه کند؟ و به فرض اینکه قرآن را کلام پیامبر اکرم (ص) بداند - نه کلام الله - آیا نباید از کلام خود پیامبر و قرآن چستی آن را بیابد؟ آیا به کارگیری تصورات ذهنی درباره مساله ای غیبی ، آن هم کتابی که متن دینی اوست کافی است؟ روشن است که برای مسلمان و کسی که مدعی پای بندی به اسلام است دلالت آیات قرآن حجت است و نمی تواند آنها را نادیده بگیرد. مگر موقعی که از اساس و اعتقادات ، اسلامی دست بردارد. با این نگاه اولین گام منطقی در بررسی مباحث مطرح شده همانا توجه به خود قرآن کریم و آیات آن در این زمینه است از این رو ما یک یک آن نکات را به قرآن عرضه می داریم و نتیجه را از آن جویا می شویم. اما پیش از جستجو این سؤال ذهن را فرا می گیرد که این همه غفلت از حقیقتی روشن با چه انگیزه ای صورت گرفته است؟ اگر به نهایت حمل به صحت به مساله نگاه کنیم باید بگوئیم که شرمساری از برخی احکام و مباحث اسلامی در برابر فرهنگ غرب یا بهتر بگوئیم زبونی در برابر اندیشه های کفرگرایانه ، گوینده این سخن را به حساب خود به دفاع از اسلام و داشته که بگوید: بسیاری از آنچه امروز قرآن و اسلام می گوید مربوط به زمان ما نیست و در زمان رسول اکرم و صدر اسلام احکامی مناسب بوده که افتخار آفریده است. امروز هم که ما از آن عدول کرده ایم. آیا منظور ایشان از مخصصه ای که مطرح کرده همین امر نیست که ما با این سخن که بخشی از احکام و مسائل اسلامی امروز ناکارآمد است و اصلاً برای امروز دنیا نبوده خود را از شرمندگی دشمنان اسلام برهانیم! اگر این حمل به صحت درست باشد قبل از پاسخ های قرآنی باید این نکته را به نویسنده متذکر شویم که: تنها امروز نیست که پاره ای احکام و حتی معتقدات اسلامی مورد ناباوری و بلکه هجوم دشمنان قرار گرفته ، بلکه همواره چنین بوده و بیشترین ناباوری ها در زمان خود رسول اکرم (ص) واقع

شده است و اگر قرار بود پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان مخلص، این عقب نشینی ها را می داشتند شاید امروز هیچ اثری و حداقل هیچ اعتباری برای قرآن و اسلام باقی نمانده بود. خدای رحمان پیامبر اکرم (ص) را موظف می نماید که آنچه وحی الهی است بی کم و کاست به مردم ابلاغ کند و به او اجازه نمی دهد که برای خوش آمد آنان کلمه ای را تغییر دهد. توضیح این مطلب در متن پاسخ های قرآنی خواهد آمد.

اکنون دقت کنیم که نظر قرآن کریم درباره مسائل مطرح شده چیست، به موارد زیر توجه کنیم.

۱- قرآن کتاب خداست.

آفریننده و تولید کننده قرآن ذات احدیت است قرآن کریم می فرماید: قد جائکم من الله نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتبع رضوانه سبل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور باذنه و یهدیهم الی صراط مستقیم (مائده، ۱۵ و ۱۶)

همانا از جانب خدا برای شما نوری و کتابی روشنگر آمده است، خدای رحمان بدان کتاب هر کسی را که از پی خوشنودی او رود به راه های سلامت هدایت می کند و آنان را با اذن خود از ظمتهای به سوی نور بیرون می آورد. و به صراط مستقیم هدایت می نماید.

و نیز می فرماید:

و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا... (بقره، ۲۳)

اگر در صحت قرآنی که بر بنده خود نازل کرده ایم تردیدی دارید اگر واقعاً راست می گویند (و قصد بهانه جوئی ندارید) یک سوره مانند آن را بیاورید و در این راه کارشناسان خود را به کمک و نظارات فرا بخوانید. فقط از سخنان خدا یاری نگیرید.

در آیه فوق نکته های زیر به صراحت آمده است:

الف- قرآن را خداوند بر پیامبر اکرم (ص) نازل کرده است.

ب- قرآن معجزه الهی است که بشر را یارای ارائه همانند آن نیست.

اینگونه آیات در قرآن کریم بسیار است (به آیات ۹ سوره حجر، ۱۰ و ۱۱ سوره طلاق، سوره قدر، ۳ سوره دخان و ... مراجعه فرمائید)

۲- قرآن کریم نسخه ای در لوح محفوظ در نزد خدا دارد.

حم و الكتاب المبين انا جلعتنا قرآنا عربياً لعلكم تعقلون و انه في ام الكتاب لدينا لعلی حکیم (زخرف، ۱-۴) سوگند به کتاب روشنگر که ما این کتاب را به صورت قرآنی به زبان عربی در آوردیم باشد که شما دریابید. این قرآن در ام الكتاب و لوحه کتاب تکوین که نزد ما محفوظ است بلند مرتبه و حکیم است.

در جای دیگری می فرماید: بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ (بروج، ۲۱ و ۲۳)

این کتاب قرآنی است با مجد و عظمت در لوحی محفوظ

و نیز می فرماید: انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یسمه الا المطهرون تنزیل من رب العالمین (واقعه، ۷۷-۸۰)

حقیقتاً این قرآنی است گرانمایه و نسخه اصلی آن در کتابی نهان است، جز دست پاکان و مطهران دست کسی به آن نسخه اصلی نمی رسد. تنزیل آن از پیشگاه پروردگار جهانیان است.

آیات فوق کاملاً روشنگر این مطلب است که قرآن کریم قبل از نزول در عالم بالا نزد خدای رحمان بوده است. در «لوح محفوظ» یا «کتاب مکنون» و یا «ام الكتاب» که هر سه تعبیر برای یک حقیقت است. و این قرآن عربی، نسخه نازل شده آن است که در اختیار عموم قرار گرفته است. تبدیل حقایق به الفاظ توسط خدای رحمان صورت گرفته است. پس قرآن خود حقیقتی مستقل دارد که بنابر روایات اهل بیت علیهم السلام در روز قیامت در زیباترین صورتی که مردم دیده اند به محشر خواهد آمد (الکافی، کتاب فضل القرآن، حدیث ۱)

۳- نزول توسط رسولی آسمانی

قرآن کریم توسط «روح القدس» یا «روح الامین» و یا «جبرئیل» بر قلب پیامبر اکرم (ص) نازل شده که عنوان «رسولی آسمانی» یافته است به آیات زیر توجه کنیم:

الف- قل نزله روح القدس من ربك بالحق. (نحل ، ۱۰۲)

بگو: قرآن را روح القدس به حق از جانب پروردگارت نازل کرده است.

این پاسخ در برابر مشرکان است که در آیه قبل (نحل ، ۱۰۱) قرآن سخن آنان را نقل می کند که تو افترا می

زنی و سخن خودت را به خدا نسبت می دهی. پاسخ این است که روح القدس واسطه نزول قرآن است ...

ب- نزل به الروح الامین علی قلبک. (شعرا ، ۱۹۴)

قرآن را روح الامین به قلب تو نازل کرده است.

ج- قل من كان عدواً لجبريل فانه نزله علی قلبک باذن الله. (بقره ، ۹۷)

بگو: هر کس (مانند شما یهودیان) با جبرئیل امین دشمن باشد (که چرا آخرین وحی رسالت را بر بزرگان بنی

اسرائیل نازل نکرد) جبرئیل قرآن را به اذن خدا بر قلب تو نازل کرده است.

د- انه لقول رسول کریم ذی قوه عند ذی العرش مکین مطاع ثمّ امین. (تکوین ، ۱۹-۲۱)

بگو این قرآن سخن فرستاده ای گرانقدر است ، توانا و نیرومند در پیشگاه خداوند عرش صاحب اختیار و

موقعیت است. فرمان روائی است امین

۴- مکان و زمان نزول

در آیات قبل مشاهده شد که مکان نزول قرآن کریم قلب مطهر رسول خدا (ص) است و اما زمان نزول قرآن در

ماه رمضان در یک شب مبارک شب قدر است.

انا انزلناه فی لیلة القدر (قدر ، ۱) ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

انا انزلناه فی لیلة مبارکة (دخان ، ۲) ما قرآن را در یک شب مبارک نازل کردیم.

شهر رمضان الذی انزل فيه القرآن (بقره ، ۱۸۵) ماه رمضان که در آن ، قرآن نازل شده است.

۵- نزول الفاظ همراه با حقایق

قرآن کریم به صراحت اعلام می کند:

نزل به الروح الامین علی قلبک لتکون من المنذرین بلسان عربی مبین (شعرا ، ۱۹۳ تا ۱۹) قران را روح قدسی که امین پروردگار است بر قلب تو نازل کرده تا از پیامبران و هشدار دهندگان باشی. روح الامین قرآن را به زبان عربی روشن نازل کرده است.

انا انزلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون (یوسف ، ۲)

ما این قرآن را به صورت یک قرآن عربی نازل کردیم ، باشد که دریابید.

پس زبان قرآن و الفاظ آن همه مربوط به عالم بالا و خدای رحمان است.

به این ترتیب از منظر قرآن ، عبارات و آیات را خداوند تعیین کرده است ، نه رسول اکرم (ص) که شخصیت و

شرایط زندگی وی در آن نقش داشته باشد. همچنین پیامبر اکرم (ص) هرگز مانند شاعران ، الهام درونی را به

زبان و دانش خود منتقل نکرده است بلکه الفاظی را که دریافت کرده ابلاغ می کند و بر مردم می خواند. (یتلوا

علیهم آیاته (جمعه ، ۲) آیات خدا را بر مردم تلاوت می کند. بویژه اینکه قرآن کریم می فرماید:

انه لقول رسول کریم و ما هو یقول شاعر قلیلاً ما تو منون (حاقه ، ۴۰ و ۴۱)

به درستی که این قرآن کلام رسول بزرگ مرتبه ای است و آن نه سخن شاعری است شما کمی ایمان می

آورید. و نیز می فرماید: «و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له ان هو الا ذکر و قرآن مبین» (یس ۶۹)

و نه ما او را شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست این کتاب چیزی جز ذکر و قرآن روشنگر نیست.

۶- تشریفات نزول

بنا به گزارش قرآن کریم ، آیات با برنامه و تشریفات ویژه ای نازل شده است. در سوره صافات می فرماید:

و الصافات صفاً فالزاجرات زجراً فالتالیات ذکراً (صافات ، ۱-۳)

قسم به فرشتگان صف در صف که (شیطان را) از سر راه خود می رانند و سپس ذکر را تلاوت می کنند

و نیز می فرماید:

خداوند دانای نهران است و هیچکس را بر غیب خود مطلع نمی سازد جز کسی را که به عنوان رسول خود پسندیده باشد. در آن صورت از پیش رو و پشت سرش صفی از فرشتگان را به مراقبت قرار دهد تا بداند که آن رسولان پیام های پروردگار خود را به مردم ابلاغ کرده اند و خداوند به آنچه نزد آنها است احاطه دارد و شماره هر چیزی را آمار کرده است. (جن ، ۲۷ و ۲۸)

با این وصف چگونه می توان گفت که قرآن کریم جنبه بشری دارد؟ حداقل این است که با نگاه درون دینی و به گواهی خود قرآن ، نمی توان به چنین ادعایی دست یازید.

۷- تعبیر کلام الله

در قرآن از این کتاب و آیات آن ، به صراحت به « کلام الله » تعبیر شده است.

و ان احدٌ من المشركين استجارك فاجرهُ حتى يسمع « كلام الله » ثم ابلغه مأمنه (توبه ، ۶)

و اگر فردی از مشرکین تقاضای جوار و امان کند او را امان بده تا بیاید و کلام خدا را بشنود و سپس او را به جایگاه امنش برسان ...

۸- پیامبر اکرم (ص) تابع قرآن است و حق تبدیل ندارد.

و اذا تلى عليهم آیاتنا بینات قال الذین لایرجون لقاءنا ات بقرآن غیر هذا او بدله. قل ما یکون لی ان ابدله من

تلقاء نفسی ان اتبع الا ما یوحی الیّ انی اخاف ان عصیت ربی عذاب یوم عظیم. (یونس ، ۱)

و چون آیات روشنگر (قرآن) ما بر آنها تلاوت شود ، منکران معاد که امیدوار به لقاء ما نیستند می گویند: قرآنی

غیر از این بیاور و یا آن را تبدیل کن. بگو مرا نرسد که آن را از پیش خود تبدیل کنم. جز آنچه به من وحی

شود را پیروی نمی کنم. اگر فرمان پروردگار را عصیان کنم ، از عذاب روزی بزرگ می ترسم.

۹- جهانی و جاودانه بودن

از منظر قرآن کریم ، این کتابی است جهانی و برای همه جوامع روی زمین همچنان که پیامبر اکرم (ص) رسولی

الهی برای همگان است و نیز رسالت جاودانه است و برای همه زمان ها. به آیات زیر توجه کنیم:

- قل يا ايها الناس انى رسول الله اليكم جميعاً (اعراف ، ۱۵۸)

بگو: ای مردم من رسول خدا به سوى همه شما هستم.

- هذا بلاغ للناس ولينذروا به وليعلموا انما هو اله واحد وليذكر اولوا الالباب (ابراهيم ، ۵۲)

- اين (قرآن) حجتى بالغ و رسا براى جميع مردم است و براى آنان كافى است تا بدان وسيله هشدار يابند

و خدا را به يگانگى بشناسند و صاحبان خرد از طريق آن متذكر و هشيار گردند.

- ان فى هذا لبلاغاً لقوم عابدين و ما ارسلناك الا رحمةً لعالمين (انبيا ، ۱۰۶ و ۱۰۷)

بدون شك در اين قرآن حجت رسائى است براى آن مردمى كه اهل عبادت و در خط بندگى خدا باشند و ما

تو را نفرستاديم مگر آنكه براى همه اهل عالم رحمت باشى.

- و اوحى الى هذا القرآن لا نذركم به و من بلغ (انعام ، ۱۹)

اين قرآن به من وحى شده تا به وسيله آن شما را و هر كسى را كه پيام قرآن به او برسد هشدار دهم.

با اين حساب قرآن كريم گويائى اين مطلب است كه: تا پايان دوران زندگى دنيا قرآن به دست هر كس برسد

براى او كتاب آسمانى است كه واجب است از آن تبعيت كند ، در حالى كه در زمان ما تورات و انجيل چنين

نيستند ، به دست ما مى رسند ولى وظيفه تبعيت از آن را نداريم. پس قرآن براى زمان خاصى تنظيم نشده است.

و اى امرى است كه مسلمانان پاييند قرآن نمى تواند آن را از باور خويش دور سازد.

۱۰- انطباق با فطرت غير قابل تغيير انساني

قرآن كريم و به طور كلى دين الهى هماهنگ با فطرت انسان تنظيم شده و فطرت انسان ها در طول زمان تغيير

نمى كند. به دعوت خداى رحمان به سوى دين الهى و قرآن كريم توجه كنيم:

فاقم وجهك للدين حنيفاً ، فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن اكثر الناس

لا يعلمون (روم ، ۳۰)

پس مستقیم روی به سوی آئین پاک اسلام آور ، بدون انحراف به راست و چپ ، دینی که تنظیم و فطرت الهی است ، همان فطرتی که انسان ها را بر آن بسرشت. فطرت الهی (در انسان ها) بدل نمی گردد (که قانون خدا کهنه شود) دین خدا همان آئین اصیل است که استوار و پابرجا می ماند ولی اکثریت مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

در این آیه شریفه نکات زیر کاملاً مشهود است:

- الف- خدای رحمان به سوی دین الهی و توجه به آن دعوت می کند.
- ب- توجهی با حالت حنیف که به سوی راست و چپ انحراف نشود .
- ج- این دین را خدای رحمان تنظیم کرده و آنچه را او تنظیم کرده باشد حق است.
- د- تنظیم دین ، هماهنگ با فطرت انسانی است. پس خداوند شما را به فطرت خود دعوت می کند.
- ه- فطرت انسانی در طول زمان تغییر نمی کند پس دین خدا و قرآن کهنه نمی شود.
- و- این دین همواره می ماند زیرا با فطرت انسان ها هماهنگ است و آن را حرف دل خود می یابند.
- ز- متأسفانه بیشتر مردم از این حقیقت غافلند و معیار حقانیت یک آئین را نمی دانند و دین خدا را نمی شناسند.

۱۱- محفوظ به حفظ الهی

خدای رحمان آخرین منشور آسمانی و کامل ترین آئین ها را به بشریت ارزانی داشته و اراده کرده که آن را برای همیشه محفوظ بدارد و فرموده:

انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون (حجر ، ۹)

به یقین ما خود قرآن را نازل کردیم و بی شک در آینده هم خود نگاهبان آن خواهیم بود

و در جایی دیگری از تحقق این حفظ و صیانت خبر می دهد که:

ان الذین کفروا بالذکر لما جائهم و انه لکتاب عزیز

لا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید (فصلت ، ۴۱ و ۴۲)

همانا کسانی که به این قرآن و ذکر الهی که برای آنها آمده است کافر شوند (راه به جایی نبرند) همانا قرآن کتابی است صاحب عزت (که از دست اندازی دشمنان به دور است) هرگز از پیش و پس (و گذشته و آینده) هیچ لغو و باطلی بدان راه نیابد، قرآن از پیشگاه خداوند حکیم و ستوده تنزیل شده است.

به آنچه تا کنون از زبان خود قرآن کریم گفته شد مجدداً توجه فرمائید و سپس به سؤال های زیر پاسخ دهید:

- آیا می توان گفت قرآن از ناحیه پیامبر اکرم (ص) است در حالی که این همه تأکید می کند که قرآن

از نسخه اصلی آن که در نزد خداست نشأت گرفته و تنزیل الهی است؟

- آیا می توان گفت وحی قرآن حاوی اشتباهاتی است با آنکه خداوند تضمین کرده که کلمه ای باطل

در آن راه نمی یابد؟

- آیا می توان گفت برخی جنبه های دین اسلام امروز موضوعیت ندارد با آنکه قرآن و دین اسلام منطبق

با فطرت انسان ها تنظیم شده و خدای خالق انسان ها اعلام کرده که در فطرت انسان ها تبدیلی صورت

نمی پذیرد؟

- آیا ما باید از بعضی احکام خدا شرمسار باشیم و آن را مخمسه بدانیم، چون مقبول بعضی جوامع واقع

نمی شود یا بدان افتخار کنیم که ما را به فطرت پاک انسانی رهنمون می شود، هر چند بسیاری از مردم

روی زمین خط فطرت را گم کرده باشند؟

- و سرانجام این سؤال را از آقای دکتر سروش می کنیم که آیا شما این آیات قرآن و ده ها آیه دیگر را

در این راستا دیده اید و در آن اندیشیده اید و باز هم درباره قرآن، از منظر قرآن و یک مسلمان چنین

نظر می دهید؟ با آنکه هنوز به قرآن به عنوان کتاب دینی خود اعتراف می کنید؟ آیا خود شما کسی را

که قائل به وجود خطا در قرآن باشد مسلمانی پایبند می شناسید؟

کلام را به روایتی منقول از امام رضا (ع) ختم می کنیم.

امام هشتم (ع) از پدر بزرگوارشان موسی بن جعفر (ع) نقل می کنند:

ان رجلاً سال ابا عبدالله (ع) ما بال القرآن لا يزداد عند النشر و الدراسة الا غضاضه؟ فقال: لان الله لم ينزل لزمان دون زمان لا لناس دون ناس ، فهو في كل زمان جديد و عند كل قوم غض الى يوم القيامة (مسند الامام الرضا (ع) ، ج ۱ ، كتاب التفسير ، ص ۳۰۹ ، ح ۱۲ ؛ آيت اله جوادى آملی ، قرآن كريم از منظر امام رضا (ع) ، ص ۲۸)

شخصی از امام صادق (ع) پرسید: چگونه است که هر چه قرآن بیشتر مورد بررسی قرار می گیرد بر تازگی آن افزوده می شود؟ حضرت فرمودند: زیرا خداوند قرآن را برای زمان خاصی و مردم بخصوصی نازل نفرموده است. بنابر گواهی قرآن ، این کتاب آسمانی در هر زمان ، جدید و تا روز قیامت برای هر قوم و گروهی از مردم، تازه است.